

## غرق در رمان های عاشقانه

چهار برادر داشت و تک دختر خانه بود، هر چه می خواست برایش حاضر بود. ۱۶ سال بهشت داشتیم که از پدرم و مادرم خواستم بر ایم گوشتی بلامانع بیایم. بخرند. چون اهل درس و مدرسه بودم و سر به هر کار خودم بود بود هیچ مقاومتی خواسته ام را ارجایی نکردند. اوایل عصر ها بعد از اتمام درس خودم را با گوشه سرگرم می کردم بی هیچ قصدی با پسرای فامیل تا نیمه شب مشغول بازی پیکم بازی بودم و بعد بران های عاشقانه می خواندم. بعضی شب ها با صبح پیکم می آمدند و مرا می که جذاب بود انتهای می خواند و می شدم. اگر مرا می تمام نمی شد گزشتن فرج آن را می برد. برای امان خواندن و پیکم دادن و یک گنگارم کمتر درس بخوانم. با خواندن های باهوش معروف چشم و گوشم بازتر و تمایل برای ارتباط با جنس مخالف بیشتر شده بود. دیگر مانند گذشته درس و افتادگی بهانه ام و درس سر پیکم همان زمان می خواندم. در پیکم بازی با پسرای فامیل از هر دری سخن می گفتم و گاه شوخی های پیکمی به حرف های نامرطوب می کشید. در این گیر و دار با پسرای اهل بیتش از بقیه در ارتباط بودم و در باره خصوصیات ترین مسائل زندگی ام با او صحبت می کردم. مفهوم بیشتر بران های که می خواندم رواج بی باوری و بی اعتنا به دختر و سر بود و هم با خواندن این رمان های عاشقانه به سمت و سوی این مدل رفتار و زندگی می گردن کشیده شدم. در پیکم بازی های که با پسرای خانه ام داشتیم بیشتر سعی می کردم موضوع ها عاشقانه باشد، از سویی در رفت و آمد های که به خانه ما داشت و او دل بسته شد. ۱۹ سالگی که رسیدم به دلیل رسیدگی به خودم و تهیه های امروزی تری که داشتم، راهواستانگران را ختبه ما باز شد اما چون سن و سالی نداشتیم و اولین در باره خواستگاری هم نظر خودی نمی کردند و خودشان جواب رد می دادند. روزی خانه ام به خانه مادر و مرا برای احمد، پسرش از خواستگاری کرد و او از رسیدن نظر پدر و برادران می آمدن آن ها بود به خواستگاری و دیگر موارد پاسخ مثبت داد و بعد از یک هفته از خواستگاری که من و احمد به عقد در آمدیم. اوایل احمد خیلی خوب به من رفتار می کرد و من هم به این که استر س زادی برای این وصلت داشتم سعی می کردم به خوبی با احمد رفتار کنم اما رواله و رمان خواندن و پیکم بازی های من به طور معمول بود و در روز ششم ازدادامه داشت. همه اقارم بر اساس رمان ها شکل گرفته بود و رفتار من متأثر از شخصیت های رمان ها بود و انتظار داشتم خود همان گونه عاشقانه با من برخورد کند ولی چون رفتارشان از گونه نبود نسبت به او دل سرد شدم و هر روز بهانه های

زیادای می گرفت، با گذشت یک سال از عقد، به پنهان‌های می بیشتر می شد و احمد با آن وضعیت خسته شده بود. یک شب که در حال پیماک بازی و صحبت و پویان کردن کانال های تلگرافی بود پدرم فراموشی که کمپیک ها را حذف کنم. احمد هم بی هوا به سراغ گوشی ما رفت و پیام ها را خواند. دستم به دلیل رابطه با او چنان در دگرگیری بار آمد و درسته شده بود و این کار نارضاحت شد. دعوا در گیری سختی داشتیم و وقتی پدر اندام از این موضوع مطلع شدند گوشی را به هم دادیم که برایم تهیه کرد و گوشی قبلی ما را از کار انداختند. کم به خواندن روانی و وابسته شدن به کار و اگر شب ها با کسی پیماک بازی نمی کردم خواب نمی برد از این طرز رفتار عصبانی شده و منسب این رفتار را احمد می دیدم برای همین ناسازگاری ما با او بیشتر شد. در خانه پنهانی می گرفت و برای دیدن دوستان و وسیله های رفتی. در همین رفت و آمدها و منسب احمد مرغانه کرد و میچر گرفت. با دیدنش ترس زیادی در وجود رخنه و در میان جمع به زدن یک دلیل بسنده کرد و گفت که محل در شید ما توان سبب تکمیل شد و با الگد مکتبی که به پهلوی خود احساس ضعف عجیبی کردم بی هوش شد. به هوش آمدن در بیمارستان متوجه شد که یکی از کمپیک هایم دچار خونریزی شد و گوشی را کلیه ا را دست آمد. احمد بعد از آن ماجرا تمایلی به زندگی با من نداشت، والدین و خانواده احمد با مشاهده این وضعیت تلاشی برای بر گشتن ما به نزدیگر نکردند و به راحتی طلاق گرفتیم. فکر می کرد ما به دو باره به زندگی با هم گذشت به نزدیگر ما سخت در اسیاره بودم چون خانواده ام سخت گیرتر شدند و برادرانم بیشتر مرا قید بودند. از گوشی و بیرون رفتن خبری نبود و ما ملایمتی زدانی در خانه اسیر بودم. احمد با ماندن می گذشت و وضعیت تغییر ی نکرد. دوسال یک سال پس از جدایی با یکی دیگر از دخترهای قبلی از دواج کرد و من بعد از سه سال از جدایی با فاسمی به اسم مهیار آشنا شد و دواج کرد. مهیار بسیار حساس بود و البته معتاد. همیشه به من مشک داشت و حساسیت اش سبب شده بود کلافه تر شوم. جدایی از روزها از آن کتک می خوردم و دم نمی زد. شش ماه که با مهیار زندگی کرد بعد از کتک و دعوا و درگیری، دوباره به خانه پدرم بر گشتم و از والدین خواستم که طلاق مرا پیمانی بگیرند. اما والدینم که تحمل یک طرف دیگر بر پیمانی خوشان را نداشتند با این موضوع مخالفت کردند و ما با مهیار آشتی دادند ولی این صلح زیاد طول نکشید و من هم که اجازه ام دست خود بود و ۲۴ ساعت در دام مهیار دودادم. حال در سن ۳۰ سالگی با دو مهر طلاق بر پیشانی ام روزگار را سیری می کنم و گاه با دیدن شوخنتی احمد از کرده هایم ششمان می شوم اما پشیمانی دیگر سودی ندارد و باید منتظر آینده ای باشم که ...

# حسادت دوست

## گروه حوادث

همبازی دوران کودکی تا بزرگسالی می بود. هر روز مسیر مدرسه تا خانه را سابقه دومی گذاشتم و هر کس هم می شد سرش دراز می برد. باید یکدیگر را تا مدرسه می برد. می کرد. قهر و آشتی، بازی و خنده و آشک و روسری می خریدی که همان برادر لیلیا می خرید. آن که دختر همسایه ما بود از خانه اوها به رفافت من و لیلیا حسادت های مدرسه به رفافت من و لیلیا داشت و پدرش که معاند بود زندگی می کرد اما مادر خیلی هوایش را داشت تا پدرش را از معاندت کند. هر روز تا گرفتار دیلم یک سال باقی ماند. می بود که برای لیلیا خواستگار دادند. روزی که قرار شد لیلیا با بهران عقد کند روزی که انگیز می بودی از ما دانستم او را دوست می دهم، اما قرارش را عوض گرفت و یک دل سیر شد با هم گریه و عهد کردیم از دواش بین ما جدایی نیندازد. بعد از آن سرگرد و سرگردان شد، اما لیلیا در سر راه کارها کرد. هر روز که من می رفتم او را می بردم. هر روز در تحصیل پیشرفت داشتم و لیلیا غرق در زندگی بود و بارها از من خواست که سر راه او با برادر همسرش از دواش کنم اما من تصمیمی برای ازدواج نداشتم. شاید همین سبب شده بود تا من دلخوار می شدم، مریور، تماس هایمان کم می شود. لیلیا هر روز برای از برای امروختگی ما دعوت می کرد و همراه همسر و برادر همسرش به من می آمد، سعی می کرد برادر همران را به من نزدیک کند، آن را جایش رفتن به من می خرید همسایه هایم از برادر همران به عنوان نامزد نام می برد! از لیلیا عصبانی می شدم و یک روز تصمیم گرفتم سر لیلیا را خنک کنم و بروم اما لیلیا رفتن او را سزاوارده خانه شد. خانها بد حال لیلیا خوب نبود و رنگ به رخسار نداشت. گویی را برداشتم. گویی از او زنش تماس بگیر اما از من خواست. گویی را قطع کنی مدعی شد دلیل این حالش را برای دواهایی است که صبح با

مهران داشت و بخشی از دعوایها به خاطر این است. مبین ثابت می‌گردد که برادر مهران جواب مثبت ندهی مهران را مطلق می‌دهد. بر سر دوراهی بود و نمی‌دانستم که پدر و مادر در تصادفی خود خور از یک سو و دادادن من تنها شدم. بر این شرط تصمیم گرفتم به خواسته لیلیا پاسخ دهم و قرار دادم از دواج را در محضر دادگستری مرام عقد نام بر گزار شد، خیام را می‌شد که لیلیا خوشحال می‌شود، اما این همه ما را نبود. وقتی مهدی و از زندگی هم‌داستانه هم‌قد که مهران اعتماد است لیلیا را می‌فهمید که دست. اوایل را در شب به دلیل اعتیادی که داشت فرزندش مهدی را فرستاد معذور. در این میان، مهدی شغل و درآمدی نداشت و می‌خواست که من سر کار بروم یا پول به خانه بر گردم. آن روزها حال بدتر از این بود و به شدت احساس تنهایی می‌کردم تا جایی که می‌گفتم کتابی به همراه پدر و مادر در تصادف از دنیا می‌رفتم. یک‌روز که سرزد به خانه رفتم دیدم مهدی با مهران و لیلیا در آن مصرف او را مخدر هستند. با دیدن من رنگ از رخسار لیلیا و مهدی می‌برد. با

فرار گذاشتیم اما مهدی دنبال کرد، فقط از روی مرگ دانشمند، در حال فرار چهارم بود به درگیر کردنش، بر زمین شدم، مهدی روی ما تک از روی زمین بلند کرد و به روزه تخت بست و سرگ مواد را در رگ تم تزریق کرد، اعتماد ما اگر چه ابتدا خواسته بود اما کم ما تزریق های وقت و بی وقت به بدنم به طور کامل وابسته شد، وقتی به خودم امد دیدم کار از کار گذشته بود یک معتاز تزرقی بودم فرزند می در آغوش داشتیم که از نین معتاز بود، علم غلبه این حاسداتی بود که ایلا از همان کودکی به من داشت. پدرش معتاز و مجبور بودی برایش مواد بخردی. من در که می بازی کردم اما او مجبور بود نزد ساقی های مواد معتر بود. گاهی مجبور بود سر دیر سر کلاس حاضر شود و یا با خود معلم همراه می شد. بعد ما و ترک تحصیل کرد که به داشاگاه رقم به همین دلیل آتش کینه روزه به روز در دانش شعله ور می شد تا این که که روزی که ما دانش اموخته شد تا دانش حسادت و این که او یک بیمار معتاز بود تصمیم گرفت رما هم معتاز کند. حالا قصد دارم از مهدی جدا شوم چون دیگر توان ندارم بر این مواد خردن نهیم

## گزارش جلسہ

**در جلسه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر تاکید شد**

## لزووم نگاه ویژه به ایست و بازرسی ها



در جلسه شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان گفت: از ابتدای امسال، بیش

۷/۵ تن انواع مواد مخدر در استان کشف شد که نسبت به سال گذشته ۴۰ درصد افزایش دارد. سردار محمدعلی افروز: در ۳۷ تن انواع مواد مخدر در استان کشف شد که عمده آن کشتیبار در ایستگاه هاپزاسی رخ داده و بنا بر این لازم است این شورا توجه ویژه‌ای به ایستگاه‌های هاپزاسی داشته باشد. وی با اشاره به این که از ابتدای امسال ۵۸۲ مهتم دستگیر شدند و ۲۲۱ دستگاه وسایل نقلیه نیز توقیف شد ادامه داد: سال گذشته ۷۴ مواد مخدر متشاسی و ۱۳ مواد شناسایی شد.

## دوین سند جامع مبارزه با مواد مخدر

معاونی مقابل به عرضه و فروش از اموال و اقسامات ۴۴۰ میلیارد دلار است. در حالی که در کشور ریاست جمهوری جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۵، ۴۴۰ میلیارد دلار است. در حالی که در کشور ریاست جمهوری جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۵، ۴۴۰ میلیارد دلار است. در حالی که در کشور ریاست جمهوری جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۵، ۴۴۰ میلیارد دلار است.

## گاهش سن اعتیاد

ستاندارت‌ها هم گفت: خراسان جنوبی ویژگی خاص مرز صولانی با بزرگ ترین تولیدکننده مواد مخدر و همچنین قرارگیری در مسیر دو کریدور اصلی کشور دارد. «معتدیان» افزود: تقویت ایستگاه‌های بازرسی از لحاظ لوازم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، افزایش کشفیات و اردی‌پ خواهد داشت. وی، بایان امنیت سراسری و اعتماد و تأثیر مصرف مواد مخدر از سستی به صنعتی را یادآور شد و گفت: مشکلات و چالش‌های آن باید در استان به‌طور جدی پیگیری شود.

## ۸۵ مرکز درمان معتادان

معاون درمان اندیشه، علوم پزشکی پیرو چند نفر گفت: ۸۵ نفر مراکز درمانی، تعداد استدان بازرپوشش ۱۴ هزار و ۳۱۴ نفر در حال فرامردانی، دکتر احمدی، افزود: سال گذشته ۲۹۴ نفر از بانوان در حال شدند، ۲۹۶ نفر از افرادی که از مقام قضایی معرفی شدند تحت درمان قرار دارند، و ادامه داد: ۸۵ نفر از افرادی که اعتیاد خود را ترک و بهبودی حاصل کرده‌اند، هر هفته ای برای آموزش اشتغال معرفی شدند. به سال گذشته شش نفر بر سر مصرف مواد مخدر در استان فوت کردند که نسبت به سال قبل از ۶۶ درصد کاهش داشته‌اند. در پایان از «حمات زندگی» تقدیر و معرفی شد. به عنوان دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان محسنی مقدم.

## نیازمندی‌های عمومی

عراق و ایران جنوبی

**پیشخوان**

## مارو خانہ های شبانه روزی

[illegible]

نوروت دہی دیجیٹالی  
مراکز درمانی

۳۱×۳۵	پیش‌مختار عیادت
۳۳۵×۹۰۰	پیش‌مختار شهید و غیر (تکثیر ابتدایی)
۳۳ × ۳۳ × ۳۳	پیش‌مختار انعام (مخارج) شلیکات نمر
۳۳۳×۱۱۱×۱۱۱	پیش‌مختار و انعام (چ)



قیمت (ریال)
۴۰۹۳.۰۰۰
۴۳.۹۰۰.۰۰۰
۴۵.۴۸۰.۰۰۰
۱۵.۴۸۰.۰۰۰
۹.۹۹۰.۰۰۰

ی ناحیہ شرق

ردیف	25.05.2019 تاریخ از جلسه	25.05.2019 به جلسه
1	$3 \times 3 = 3 \times 3 = 9$	$3 \times 3 = 9$
2	$4 \times 3 = 4 \times 3 = 12$	$4 \times 3 = 12$
3	$5 \times 3 = 5 \times 3 = 15$	$5 \times 3 = 15$
4	$6 \times 3 = 6 \times 3 = 18$	$6 \times 3 = 18$
5	$7 \times 3 = 7 \times 3 = 21$	$7 \times 3 = 21$
6	$8 \times 3 = 8 \times 3 = 24$	$8 \times 3 = 24$
7	$9 \times 3 = 9 \times 3 = 27$	$9 \times 3 = 27$
8	$10 \times 3 = 10 \times 3 = 30$	$10 \times 3 = 30$
9	$11 \times 3 = 11 \times 3 = 33$	$11 \times 3 = 33$
10	$12 \times 3 = 12 \times 3 = 36$	$12 \times 3 = 36$
11	$13 \times 3 = 13 \times 3 = 39$	$13 \times 3 = 39$
12	$14 \times 3 = 14 \times 3 = 42$	$14 \times 3 = 42$
13	$15 \times 3 = 15 \times 3 = 45$	$15 \times 3 = 45$
14	$16 \times 3 = 16 \times 3 = 48$	$16 \times 3 = 48$
15	$17 \times 3 = 17 \times 3 = 51$	$17 \times 3 = 51$
16	$18 \times 3 = 18 \times 3 = 54$	$18 \times 3 = 54$
17	$19 \times 3 = 19 \times 3 = 57$	$19 \times 3 = 57$
18	$20 \times 3 = 20 \times 3 = 60$	$20 \times 3 = 60$
19	$21 \times 3 = 21 \times 3 = 63$	$21 \times 3 = 63$
20	$22 \times 3 = 22 \times 3 = 66$	$22 \times 3 = 66$
21	$23 \times 3 = 23 \times 3 = 69$	$23 \times 3 = 69$
22	$24 \times 3 = 24 \times 3 = 72$	$24 \times 3 = 72$
23	$25 \times 3 = 25 \times 3 = 75$	$25 \times 3 = 75$
24	$26 \times 3 = 26 \times 3 = 78$	$26 \times 3 = 78$
25	$27 \times 3 = 27 \times 3 = 81$	$27 \times 3 = 81$
26	$28 \times 3 = 28 \times 3 = 84$	$28 \times 3 = 84$
27	$29 \times 3 = 29 \times 3 = 87$	$29 \times 3 = 87$
28	$30 \times 3 = 30 \times 3 = 90$	$30 \times 3 = 90$
29	$31 \times 3 = 31 \times 3 = 93$	$31 \times 3 = 93$
30	$32 \times 3 = 32 \times 3 = 96$	$32 \times 3 = 96$
31	$33 \times 3 = 33 \times 3 = 99$	$33 \times 3 = 99$
32	$34 \times 3 = 34 \times 3 = 102$	$34 \times 3 = 102$
33	$35 \times 3 = 35 \times 3 = 105$	$35 \times 3 = 105$
34	$36 \times 3 = 36 \times 3 = 108$	$36 \times 3 = 108$
35	$37 \times 3 = 37 \times 3 = 111$	$37 \times 3 = 111$
36	$38 \times 3 = 38 \times 3 = 114$	$38 \times 3 = 114$
37	$39 \times 3 = 39 \times 3 = 117$	$39 \times 3 = 117$
38	$40 \times 3 = 40 \times 3 = 120$	$40 \times 3 = 120$
39	$41 \times 3 = 41 \times 3 = 123$	$41 \times 3 = 123$
40	$42 \times 3 = 42 \times 3 = 126$	$42 \times 3 = 126$
41	$43 \times 3 = 43 \times 3 = 129$	$43 \times 3 = 129$
42	$44 \times 3 = 44 \times 3 = 132$	$44 \times 3 = 132$
43	$45 \times 3 = 45 \times 3 = 135$	$45 \times 3 = 135$
44	$46 \times 3 = 46 \times 3 = 138$	$46 \times 3 = 138$
45	$47 \times 3 = 47 \times 3 = 141$	$47 \times 3 = 141$
46	$48 \times 3 = 48 \times 3 = 144$	$48 \times 3 = 144$
47	$49 \times 3 = 49 \times 3 = 147$	$49 \times 3 = 147$
48	$50 \times 3 = 50 \times 3 = 150$	$50 \times 3 = 150$
49	$51 \times 3 = 51 \times 3 = 153$	$51 \times 3 = 153$
50	$52 \times 3 = 52 \times 3 = 156$	$52 \times 3 = 156$
51	$53 \times 3 = 53 \times 3 = 159$	$53 \times 3 = 159$
52	$54 \times 3 = 54 \times 3 = 162$	$54 \times 3 = 162$
53	$55 \times 3 = 55 \times 3 = 165$	$55 \times 3 = 165$
54	$56 \times 3 = 56 \times 3 = 168$	$56 \times 3 = 168$
55	$57 \times 3 = 57 \times 3 = 171$	$57 \times 3 = 171$
56	$58 \times 3 = 58 \times 3 = 174$	$58 \times 3 = 174$
57	$59 \times 3 = 59 \times 3 = 177$	$59 \times 3 = 177$
58	$60 \times 3 = 60 \times 3 = 180$	$60 \times 3 = 180$
59	$61 \times 3 = 61 \times 3 = 183$	$61 \times 3 = 183$
60	$62 \times 3 = 62 \times 3 = 186$	$62 \times 3 = 186$
61	$63 \times 3 = 63 \times 3 = 189$	$63 \times 3 = 189$
62	$64 \times 3 = 64 \times 3 = 192$	$64 \times 3 = 192$
63	$65 \times 3 = 65 \times 3 = 195$	$65 \times 3 = 195$
64	$66 \times 3 = 66 \times 3 = 198$	$66 \times 3 = 198$
65	$67 \times 3 = 67 \times 3 = 201$	$67 \times 3 = 201$
66	$68 \times 3 = 68 \times 3 = 204$	$68 \times 3 = 204$
67	$69 \times 3 = 69 \times 3 = 207$	$69 \times 3 = 207$
68	$70 \times 3 = 70 \times 3 = 210$	$70 \times 3 = 210$

روز آزاد و مبادله ای

نوع ارز	نرخ آزاد	نرخ مبادله ای
دلار	۱۳۸.۵۰۰	۴۴.۰۰۰
یورو	۱۵۷.۴۱۰	۴۹.۶۶۳
پوند	۱۸۰.۵۸۰	۵۳.۴۱۸
رهم امارات	۳۸.۶۷۰	۱۱.۴۴۷
لیر ترکیه	۲۴.۴۷۰	۶.۰۷۴

## پیش بینی وضعیت جوی استان

## املائی

<p>آپارتمان سپیده ۵ طبقه سوم بنا ۸۵ متر دو خواب و هال تمیز رهن کامل ۳۸ تومان ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸</p>	<p>زمین دوکله ۶۰ متر تجاری مسکونی فردوسی جهت ساخت عالی فروشی فوری تخفیف دارد ۰۹۱۵۵۶۱۶۵۹۸</p>	<p>آپارتمان فروشی ۷۱ متری خیابان توحید. مجتمع زیتون. طبقه دوم. آسانسور بدون وام. پارکینگ دو خواب ۲۵۰ ۰۹۳۵۷۳۳۲۰۹۰</p>
--	--	--

## استخدام

تعدادی راننده باعاشین جهت  
آژانس بیمارستان فوری  
نیازمندیم ۰۹۱۵۹۳۶۹۰۷۲